

تقویم التّواریخ و کشف الظّنونِ کاتبِ چلبی (۱)

محسن ذاکرالحسینی

پیشکش به روانِ پاک کتاب‌شناس دانشمند،
آیت‌الله العظمی شهاب‌الدین مرعشی نجفی،
رحمة الله علیه.

کاتب چلبی

مصطفی بن عبدالله قسطنطینی، مشهور به حاجی خلیفه و کاتب چلبی، مورّخ و کتاب‌شناسِ برجسته قرن یازدهم هجری، از نامی‌ترین محققان سرزمین عثمانی (ترکیّه امروزی) است، که آثار بسیار داشته و به دو زبان ترکی و فارسی نیکو شعر می‌گفته است اما بیشتر به جهت تألیف بسیار ارزشمندش، کشف الظّنون عن اسامی الکتب و الفنون، شهرت دارد. وی تاریخ ولادت خود را، از قول مادرگرمی‌اش، ذی‌قعدة^۱ سال ۱۰۱۷ ثبت کرده است (یالتقایا، ستون ۱۳؛ نیز مورتمان، ص ۲۳۵؛ زرکلی، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۷، ذیل الحاج خلیفه؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ۲؛ کخاله ۲، ذیل مصطفی حاجی خلیفه؛ سبحانی، ص ۱۱، ۱۶؛ منزوی، علینقی، ص ۴۸) و، با این وصف، برخی به اشتباه سال ولادت او را ۱۰۰۴ ذکر کرده‌اند (سرکیس، ذیل حاجی خلیفه؛ دانش‌پژوه ۳، ص ۱۳۴؛ منزوی ۱، ص ۴۱۳). وی در قسطنطنیه (استانبول امروزی) زاده شد و همان‌جا پرورش یافت (حاجی خلیفه ۲، ذیل تقویم التّواریخ) و بعدها به ریاست کاتبان سلطان مراد چهارم (حکومت: ۱۰۳۲-۱۰۴۹) رسید و کاتب دیوان عالی محاسبات لشکر شد. (سرکیس، همان‌جا)

(۱) قید «اواخر ذی‌قعدة» (مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ۲) ظاهراً محقق نیست.

مصطفی بن عبدالله، که او را «سیوطی عثمانیان» خوانده‌اند (سبحانی، ص ۱۵)، چنان‌که خود تصریح کرده، در میان علمای عثمانی به کاتب چلبی و نزد اهل دیوان به حاجی خلیفه شهرت داشته است (بالتّقیایا، همان‌جا). وجه ملقب شدن وی به القاب مذکور به شرح زیر است: کاتب - از سال ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۷، در لشکر عثمانی به کتابت دفاتر سلطانی اشتغال داشت و رئیس کاتبان شد؛ از این رو، به کاتب و ملاکاتب شهرت یافت. (سرکیس، همان‌جا؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ح)

چلبی - شهاب‌الدین مرعشی در خصوص این عنوان او آورده است:

علامه شیخ شمس‌الدین محمد سخاوی، در کتاب الضّوء اللامع فی رجال القرن الثّاسع می‌گوید که چلبی به معنای «سرور من» و «مولای من» است و برفضلا و دانشمندان اطلاق می‌شود. و، در سخن یکی از ادیبان، به معنای «شخص گران‌قدر و بلندمرتبه» آمده است... و، در مجموعه‌ای خطّی به قلم یکی از فضلاء سرزمین ترکیّه، دیدم که این کلمه به معنای «مرد توانگر و بی‌نیاز» است و به هر یک از این معانی که باشد، همه آن معانی در این نویسنده جمع است و، به هر حال، اطلاق این کلمه بر او بجاست و، همچنان‌که در معنای این لغت اختلاف است، در منشأ آن نیز اختلاف است که مغولی است یا کردی یا ترکی جغتایی. (مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، همان‌جا، نقل با تلخیص و ترجمه)^۲

خلیفه - در سال ۱۰۵۵، از کار برکنار شد؛ امّا بر دامن برخی از صاحبان نفوذ دست یازید و، به یاری ایشان، پس از سه سال، منصب بهتری یافت. در سال ۱۰۵۸، شیخ‌الاسلام عبدالرحیم افندی تقویم التّواریخ او را برای صدراعظم قوجه محمدپاشا فرستاد و، بر اثر آن، مؤلف در دیوان محاسبات، نایب فرمانده لشکر سلطانی شد و به منصب باش‌محاسبه‌ده ایکنجی خلیفه^۳ (کاتب دوم دیوان عالی محاسبات) رسید و، پس از آن، در میان همکاران اداری خود، با عنوان خلیفه و حاجی خلیفه شهرت یافت. (بالتّقیایا،

۲) در پایگاه اینترنتی الموسوعة الشّعریّة، در ضمن مقاله‌ای به نام «حاجی خلیفه» از عدنان درویش، آمده است که وی را از این جهت کاتب چلبی لقب داده‌اند که در نوشتن خط بر احمد چلبی خطاط معروف به بوکری رجحان یافته است.

۳) «خلیفه»، در ترکی، به معنای «سرکاتب» (= میرکاتب) به کار می‌رود (← سبحانی، ص ۱۲، ۲۲)؛ امّا برخی از منابع - نظر به معنای کلمه در عربی - از آن معنای «دستیار، معاون، وکیل، نایب» استنباط کرده‌اند (مورتمان، ص ۲۳۶؛ سرکیس، ذیل حاجی خلیفه؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ط؛ ایباری، ص ۴۰۲-۴۰۳) که به نظر می‌رسد درست نباشد.

ستون ۱۶؛ مورتمان، ص ۲۳۵؛ سرکیس، همان‌جا؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، ص ط؛ ثریا، ج ۴، ص ۳۹۵؛ ایبازی، ص ۴۰۲-۴۰۳)

صاحب معیار‌الدول و مبار‌الملل، در آخر این کتاب، از مرگ ناگهانی (سکته) کاتب چلبی در پنجاه سالگی (یالتقایا، ستون ۱۸)، و جارالله ولی‌الدین افندی - که بایک واسطه شاگرد حاجی خلیفه بوده - از مرگ وی در سال ۱۰۶۷ هجری (همان، ستون ۸) یاد کرده است. بنا بر گزارش دقیق مورتمان، کاتب چلبی در روز شنبه هفدهم ذی‌حجه^۴ سال ۱۰۶۷ هجری (ششم اکتبر ۱۶۵۷ میلادی) در زادگاهش قسطنطنیه درگذشت (مورتمان، ص ۲۳۶؛ Gökyay 1978, p. 761؛ ایبازی، ص ۴۰۴؛ نیز - سرکیس، همان‌جا؛ زرکلی، همان‌جا؛ مدرّس تبریزی، ذیل کاتب چلبی؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ۲؛ آقابزرگ طهرانی، ص ۴؛ کحّاله ۲، همان‌جا؛ سبحانی، ص ۱۳) و در حیاط مکتب زیرک به خاک سپرده شد (ثریا، همان‌جا)، که امروزه در گورستانی نزدیک به جامع زیرک واقع است. (رسولی ۱، ص ۲۹۸)

برخی سال مرگ او را ۱۰۶۳، ۱۰۶۶، ۱۰۶۸، ۱۰۶۵۳ م، ۱۶۵۸ م (به ترتیب - فن‌دیک، ص ۳۷۷؛ آقابزرگ طهرانی، همان‌جا؛ فن‌دیک، ص ۳۶۶ و آقابزرگ طهرانی، همان‌جا و ثریا، همان‌جا و قمی، ص ۲۴۲؛ فن‌دیک، ص ۳۷۷؛ همان، ص ۷ و ۳۶۶ و براون، ج ۱، ص ۷۱۸) یاد کرده‌اند که هیچ‌یک مستند نیست.

آثار ناشناخته

عمر چلبی کوتاه بود اما برکت داشت چنان‌که توانست، در این مهلت اندک، آثار ارزنده بسیار از خود بر جای گذارد. بیشتر آثار او، هرچند به اختصار، معرفی شده است؛ از این رو، به تکرار آنها نمی‌پردازم؛ اما در اینجا می‌باید از چند اثر معرفی نشده‌اش یاد کنم:

حدیث نو- از نسخه خطی این کتاب، در «فهرست کتابخانه سلطان عثمان سوم»، با شماره ۱۱۳۰، ذیل عنوان «الکتب المتعلقة بالتواریخ» یاد شده است. («پیوست‌ها» ی کشف الظنون، ج ۷، بخش نخست، ص ۲۸۴)

(۴) «۲۷ ذی‌حجه» (Gökyay, Ibid): کحّاله ۲، ذیل مصطفی حاجی خلیفه) ظاهراً سهواً است.

ترجمة الوقایع - از نسخه خطی این کتاب نیز، در همان فهرست، با شماره ۱۱۳۴ ذیل همان عنوان، یاد شده است. (همان جا)
 طرب المجالس - از نسخه خطی این کتاب نیز، در همان فهرست، با شماره ۲۰۰۸، ذیل عنوان «الکتب المتعلقة بالدواوین» یاد شده است. (همان، ص ۲۹۷)
 شرح جنة الاسماء - از نسخه خطی این کتاب، در «فهرست کتابخانه شیخ الاسلام ولی الدین افندی»، با شماره ۹۰۰، ذیل عنوان «کتب التصوف» یاد شده است. (همان، ص ۴۲۲)

منابع شناخت چلبی

کاتب چلبی شرح اوایل زندگی خود را، به زبان عربی، در پایان نخستین قسم سلم الوصول الی طبقات الفحول، آورده است (بالتقایا، ستون ۱۳). همچنین دنباله زندگی نامه خودنوشت او را، به زبان ترکی، در خاتمه آخرین تألیفش، میزان الحق فی اختیار الاحق می توان یافت (همان جا؛ STOREY 1970, vol. 1, part I, p. 129؛ نیز ← سرکیس، ج ۱، ص ۷۳۳؛ مرعشی نجفی، شهاب الدین، صفحه ح). این دو معتبرترین منابع تحقیق در احوال او شمرده می شوند^۵. وی، در لابه لای دیگر آثارش نیز، اشاراتی به زندگی خود دارد. (سیحانی، ص ۱۱)
 درباره کاتب چلبی و مصنفاش، منابع و تحقیقات بسیاری، غالباً به زبان های عربی و ترکی و زبان های اروپایی و بعضاً به فارسی، وجود دارد که مشخصات مهم ترین آنها به شرح زیر است:

مناقب کاتب چلبی (ضمیمه تقویم التواریخ)، استانبول ۱۱۴۶. (STOREY, Ibid؛ مورتان، ص ۲۳۹)
 فلوگل، گوستاو لبرشت، «مقدمه» بر كشف الظنون، لایپزیگ ۱۸۳۵. وی برخی از دیگر تحقیقات مستشرقان اروپایی را نیز در جای دیگر (Handschr.k.k. Hofbibliothek, vol. 1, p. 49) معرفی کرده است. (مورتان، همان جا)

محمدطاهرین رفعت بروسه ای، «کاتب چلبی»، در Othmānli Mü'ellifleri، استانبول

(۵) نسخه اصل سلم الوصول، در ادامه همین گفتار معرفی خواهد شد. از میزان الحق، چهار نسخه خطی بارزش در کتابخانه دانشگاه لوس آنجلس نگهداری می شود به شرح زیر: شماره B۶۴۱، نسخ، مورخ ۱۰۷۷ (دانش پژوه ۲، ص ۴۶۴)؛ شماره B۴۷۳/۳، نسخ، قرن ۱۱ ه (همان، ص ۵۴۲)؛ شماره BV۰۰/۱، نستعلیق، قرن ۱۱ یا ۱۲ ه (همان، ص ۵۵۸)؛ شماره B۶۱۲/۳، نستعلیق، مورخ ۱۱۳۱ (همان، ص ۵۵۲).

۱۹۱۳/۱۳۳۱ نیز استانبول ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۱۲۴-۱۳۱. (Storey, Ibid)؛ مورتمان، همان‌جا؛ (Gökyay 1978, p. 762)

عشاقی‌زاده، خالدضیا، «کاتب چلبی»، ذیل شقایق النعمانیة، ویسبادن ۱۹۶۵، ش ۱۵۸. (مورتمان، همان‌جا؛ Gökyay, Ibid)

سر وکلیمان^۷، کارل، در تاریخ ادبیات (= متون) عربی^۸، لیدن ۱۹۳۷-۱۹۴۹، ج ۲، ص ۴۲۷-۴۲۹؛ و ذیل آن، ج ۲، ص ۶۳۵-۶۳۷. (Storey, Ibid) همان‌جا؛ Gökyay, Ibid؛ کخاله ۲، همان‌جا)

یالتقیابا، محمد شرف‌الدین، «مقدمه» بر کشف الظنون، استانبول ۱۳۶۰/۱۹۴۱. گوکیای^۹، اورخان شایق، کاتب چلبی (تحقیق در زندگی و آثار)^{۱۰}، آنکارا ۱۹۵۷، (Gökyay, Ibid) و آنکارا ۱۹۸۲. (سبحانی، ص ۲۳)

مورتمان^{۱۱}، یوهان هاینریش، «حاجی خلیفه»، دایرة المعارف اسلامی (EI¹)، لیدن و جز آن، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۶.

مرعشی نجفی^{۱۲}، ابوالمعالی شهاب‌الدین حسینی، «کشف الظنون عن صاحب کشف الظنون» (مقدمه بر کشف الظنون)، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

سبحانی، توفیق هاشم‌پور، «ادای دین به مصطفی بن عبدالله معروف به حاج خلیفه یا کاتب چلبی، کتاب شناس بزرگ تُرک»، کتابداری، ش ۳۰-۳۱، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۸، ص ۷-۲۳. در این منبع، برخی از دیگر تحقیقات ترکی هم معرفی شده است.

* * *

تاکنون، در ایران، از هیچ‌یک از آثار چلبی تصحیح انتقادی معتبری صورت نگرفته است.

7) C. BROCKELMANN

8) *Geschichte der Arabischen Literatur*

9) Orhan Şaik Gökyay این نویسنده منتخبی از پانزده اثر ترکی یا ترجمه‌شده کاتب چلبی فراهم کرده که به سال ۱۹۶۸ در استانبول به چاپ رسیده است.

10) *Kātip Çelebi (hayati ve eserleri hakkında incelemeler)*

11) J. H. MORDIMANN

۱۲) مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، از چندین تن اجازه روایت کشف الظنون داشته که سند روایت برخی از آنان به مؤلف (کاتب چلبی) می‌رسد. وی رساله عالمانه «کشف الظنون عن صاحب کشف الظنون» را به سال ۱۳۸۶ ق، در حال ضعف و بیماری، نوشته است. (مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحات و، ط)

از میان آثار متعدّد و ارزنده کاتب چلبی — تا آنجا که من مطلعم — فقط کشف الظّنون او در ایران به چاپ رسیده است آن هم به طریقه افسست، از روی چاپ استانبول. اخیراً نیز تحریری ناقص از تقویم التّواریخ (به کوشش میرهاشم محدّث، نشر میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۴) منتشر شده است که در همین نوشته به معرفی و نقد آن پرداخته‌ام.

۱. تقویم التّواریخ

این کتاب، که از آن با عناوین تقویم، تقویم تواریخ، تقویم تواریخی، تقویم التّاریخ، تقویم تاریخی، تاریخ تقویم، تاریخ تقویمی، تاریخ سنواتی، تاریخ سیاقی، و لبّ التّواریخ یاد شده («پیوست‌ها») کشف الظّنون، ج ۷، بخش نخست، ص ۴۷، ۷۲، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۹۴، ۲۱۹، ۲۴۹، ۲۶۴، ۴۳۵، ۴۶۲، ۵۲۴؛ دانش‌پژوه ۱، ج ۱، ص ۶۲۹؛ نرّیا، همان‌جا؛ منزوی ۱، ص ۴۱۳-۴۱۳۱؛ منزوی ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹؛ مرعشی نجفی ۳، ص ۹۶)، در تاریخ عمومی جهان است (بیشتر شامل رویدادهای عثمانی، عراق، عربستان، ایران)، از هبوط حضرت آدم علیه السّلام تا روزگار تألیف به ترتیب حلول سال‌ها — همان ترتیبی که در مجمل التّواریخ فصیح خوافی، شاهد صادق محمدصادق مینای اصفهانی، و فهرس التّواریخ رضاقلی خان هدایت نیز دیده می‌شود. (محدّث، ص ۱۰)

کاتب چلبی سال تألیف کتاب را در کشف الظّنون ۱۰۵۸ هجری (حاجی خلیفه ۲، همان‌جا)، و در تقویم التّواریخ (چاپ محدّث) ۱۰۶۰ هجری (حاجی خلیفه ۱، ص ۳۸) یاد کرده است که به نظر می‌رسد تاریخ دوم به تجدید نظر او در طرح کتابت اثر (حاجی خلیفه ۲، همان‌جا) مربوط باشد.

تقویم التّواریخ مشتمل است بر مقدمه مؤلّف، متن اصلی (شامل ذکر وقایع تاریخی، تا سال ۱۰۵۸ هجری^{۱۳})، ملحقات (شامل نامه‌هایی به خاندان سلطنتی و بزرگان عثمانی و جز آنان)، و خاتمه مؤلّف.

متن اصلی تقویم التّواریخ به دو بخش عمده «پیش از اسلام» و «پس از اسلام» تقسیم شده است. حوادث تاریخی پیش از اسلام، به صورت متفرّق اما با رعایت نظم سنواتی، در هفت فصل آمده است: از ابتدای عالم تا طوفان نوح علیه السّلام؛ از طوفان

۱۳) تاریخ ۱۵۰۸ میلادی (سرخس، همان‌جا؛ مرعشی نجفی ۳، ص ۹۶)، التّباس است.

تا ولادت ابراهیم علیه السلام؛ از ابراهیم تا وفات موسی علیهما السلام، از وفات موسی علیه السلام تا ظهور بخت النصر؛ از بخت النصر تا غلبه اسکندر بردار؛ از اسکندر تا ولادت مسیح علیه السلام؛ از مسیح علیه السلام تا هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. حوادث تاریخی دوران اسلامی انسجام و پیوستگی بیشتری دارد و، در هر فصل، وقایع مربوط به هر مائه (صد سال) آمده است. مؤلف، پس از ذکر هر سنه، وقایع مهم تاریخی سال را، از قبیل حوادث طبیعی، بعثت پیامبران، ظهور و سقوط سلسله‌ها و پادشاهان، تولد و وفات نامبرداران، به اختصار تمام در ذیل همان سنه گرد آورده است. وی، این کتاب خود را همچون فهرستی دانسته است برای کتاب‌های تاریخ به ویژه برای اثر دیگرش فذلکة اقوال الأخیار فی علم التاریخ و الأخبار، مشهور به فذلکة التواریخ. (مرعشی نجفی ۳، همان جا)

طرح استنساخ

بنا بر گزارش دقیق مؤلف، وی، پس از تألیف، دو نسخه با دو طرح ساختاری متفاوت از این کتاب فراهم آورده و، پس از چندی، دو بار دیگر در طرح آن تجدید نظر کرده و مجموعاً آن را چهار بار با چهار طرح متفاوت اما با مندرجات یکسان استنساخ کرده است: - بار نخست، در سه گُراسه، هر صفحه مشتمل بر وقایع پنجاه سال به صورت جدول بندی شده؛

- بار دوم، در ده گُراسه، هر صفحه مشتمل بر وقایع ده سال^{۱۴}، به صورت جدول بندی شده؛

- بار سوم، هر صفحه مشتمل بر وقایع پنج سال، به همان صورت جدول بندی شده (شمار گُراسه‌ها معلوم نیست)؛

- بار چهارم، بدون تکلف جدول بندی و به صورت کتابت در سطرهای ساده (شمار گُراسه‌ها و مقدار مندرجات هر صفحه معلوم نیست). (حاجی خلیفه ۲، همان جا)

۱۴) دانش‌پژوه (۳، ص ۱۳۵)، سهواً «بیست سال» آورده است و منزوی (۱، ص ۴۱۳؛ ۲، ص ۵۹۹) و محدث (ص ۱۲) نیز، بدون مراجعه به اصل، این سهو را نقل کرده‌اند.

اطلاعات مربوط به طرح استنساخ کتاب، در دانشنامه جهان اسلام (گلشنی ۲، ص ۸۶۹) با چندین برداشت نادرست همراه است. از این رو، برای رفع شبهه و به لحاظ اهمیتی موضوع، عین عبارات کاتب چلبی ذیلاً نقل می شود:

تقویم التواریخ: تُرکئی، لجامع هذا الكتاب، مصطفى بن عبدالله، القسطنطينی مولداً و منشأً، الشهير بحاجي خليفه. و هو مشتمل على نتيجة كتب التواريخ. سؤدته في شهرين من شهرين سنة ثمان و خمسين و الف. ذكرت فيه التواريخ المستعملة ثم الوقائع مُجدولاً. و جعلته نُسختين: نسخة في ثلاثة كراريس كُلُّ صحيفة منها خمسون سنة؛ و نسخة، في نحو عشرة كراريس، كُلُّ صحيفة منها عشر سنين. فصاز كالفهرس لكتب التواريخ، و لِفذلکي خاصّة. ثمّ اتي تصرفت في اسلوبه مرتين؛ مرة بجعل الصحيفة خمس سنين، و اخرى بطرح كلفة الجداول و استكتابه في الأسطر الساذجة. فصاز اربع نسخ، و المادّة واحدة في الجميع. (حاجي خليفه ۲، همان جا)

زبان کتاب

مؤلف تقویم التواریخ، چنان که گذشت، به تصریح، زبان این کتاب را ترکی دانسته است و برخی از معاصران نیز این قول او را تکرار کرده اند^{۱۵}؛ حال آنکه زبان کتاب ترکی و فارسی است و، به گزارش های دقیق تر، مقدمه، عنوان فصل ها، ملحقات، و خاتمه کتاب به زبان ترکی، و قیام تاریخی متن به زبان فارسی آمده است. (← Storey 1970, vol. 1, Part I, p. 128; Brockelmann 1996, p. 635؛ مورتمان، ص ۲۳۶؛ زرکلی، همان جا؛ دانش پژوه ۳، همان جا؛ منزوی ۱ و ۲، همان جاها؛ گلشنی ۲، همان جا؛ محدث، ص ۹، ۱۲)

البته میان این دو منافاتی نیست؛ زیرا در فن کتاب شناسی، مقدمه اثر نقش تعیین کننده دارد و، چون مخاطبان مؤلف را معلوم می کند، در خصوص تعیین زبان تألیف، معمولاً حکم بر مقدمه است. در تقویم التواریخ هم، زبان حاکم بر کتاب ترکی است؛ اما گویا نگارش اصل متن به فارسی صورت گرفته و مخاطبان اصلی مؤلف ترکان فارسی دان

(۱۵) ← Rieu 1966, vol. 1, p. 137؛ سرکیس، همان جا؛ مدرّس تبریزی، ذیل کاتب چلبی؛ مرعشی نجفی، شهاب الدین، صفحه ز؛ رشنوزاده، ص ۲۵۳. برخی نیز زبان کتاب را عربی دانسته اند (← سبحانی، ص ۱۶) که ظاهراً سهو است.

بوده‌اند و ترجمه‌های فارسی مذکور محتملاً به همان مقدمه و ملحقات مؤلف مربوط باشد. عبارت ساده و گویا در لغت نامه دهخدا (ذیل حاجی خلیفه)، که جامع هر دو قول است، موضوع را روشن‌تر می‌کند: «تقویم التواریخ کتابی است به زبان ترکی ... مقدمه و خاتمه جامع‌المتون [سهو القلم به جای تقویم التواریخ] به ترکی و خود کتاب به فارسی است».

منابع مؤلف

در مقدمه چاپ اخیر تقویم التواریخ، درباره منابع کاتب چلبی در تألیف این اثر تفحص نشده و این منابع معرفی نشده‌اند. مؤلف نیز، در مقدمه اثر، منابع خود را معلوم نکرده اما، در مطاوی کتاب، جای جای از آنها نام برده است.

از جمله منابع او، که در تقویم التواریخ به آنها اشاره شده، تاریخ جزری (ص ۲۴)، خلاصه الاخبار (ص ۲۵)، روح التواریخ (ص ۲۶، ۲۷، ۳۱)، مختصر الدول (ص ۲۶)، و تاج التواریخ (ص ۱۲۳) است. وی همچنین از آثار کسانى مانند اسحاق بن حنین (حاجی خلیفه ۱، ص ۳۰)، ابوریحان بیرونی (همان، ص ۲۳) (ظاهراً از آثار الباقیه او)، طبرسی (همان، ص ۲۵)، دولت‌شاه سمرقندی (همان، ص ۱۲۸، پانویشت) (ظاهراً از تذکره الشعراء او)، خیالی مورخ (همان، ص ۳۵، پانویشت)، و غفاری (همان، ص ۱۶۸، پانویشت) (ظاهراً از تاریخ جهان‌آرای او) در زمینه تاریخ استفاده کرده است.

در ضمن حوادث سال ۲۷۰۲ پس از طوفان، آمده است: «عمر او را صاحب تقویم هفت‌صد و پنج سال ذکر کرده» (همان، ص ۲۲) که منظور از تقویم بعید است تقویم التواریخ باشد؛ زیرا حتی کاتب نسخه هم راجع به او چنین قولی را از همان کتاب او نقل نمی‌کند. در این صورت، تقویم را نیز، هر چند هویت آن مشخص نباشد، از منابع کاتب چلبی در این تألیف می‌باید شمرد.

دنباله‌ها

کاتب چلبی تقویم التواریخ را تا ذکر وقایع سال ۱۰۵۸ هجری (سال تألیف) پیش برده است؛ اما مؤلفانی دیگر کار او را دنبال کرده و ذیل‌هایی بر این کتاب نوشته‌اند که اهم آنها به شرح زیر است:

- التذیل لتقویم التواریخ، تألیف فخرالدین محمد چلبی (وفات: ح ۱۱۴۰)، فرزند کاتب چلبی. (← مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، صفحه ز)
- ذیلی فارسی، شامل ادامه حوادث تا سال ۱۰۷۵ هجری، تألیف ناشناسی از سرزمین عثمانی، که در ربیع الآخر ۱۰۷۵، در بغداد آن را به پایان برده است. (Storey 1970, vol 1, part I, p. 129؛ دانش‌پژوه ۱، ص ۶۲۹؛ گلشنی ۲، همان‌جا؛ منزوی ۳، همان‌جا)
- ذیل تقویم التواریخ شامل جدول‌های بیست سال بعدی از ۱۰۵۹ تا ۱۰۷۸ هجری، به فارسی، تألیف حسین بن جعفر معروف به هزارفن (۱۰۲۰-۱۱۰۳)، که از دوستان نزدیک کاتب چلبی بوده است. (گلشنی ۲، همان‌جا؛ همو ۱، ص ۴۳-۴۴)
- ذیل دیگری شامل ادامه وقایع تاریخی تا سال ۱۱۴۵ یا ۱۱۴۶، تألیف ابراهیم متفرقه. (Storey, Ibid؛ Gökay 1978, p. 761؛ مورتمان، همان‌جا)
- مرعی التواریخ فی ذیل تقویم التواریخ، شامل ادامه وقایع تاریخی تا سال ۱۱۹۱، تألیف سلیمان بن محمد شمعدانی زاده (وفات: ۱۱۹۳). (بغدادی ۱، ذیل مرعی التواریخ؛ بغدادی ۲، ج ۱، ستون ۴۰۴؛ Gökay, Ibid)
- ذیل دیگری شامل ادامه وقایع تاریخی از ۱۱۴۷ تا ۱۲۲۷ (دنباله کار متفرقه)، تألیف علی شعاوی. (Story, Ibid)
- همچنین از تقویم التواریخ نسخه‌هایی در دست است که ثبت وقایع تاریخی — احتمالاً به قلم کاتبان یا مالکان آنها — به اختلاف، تا سال‌های ۱۰۶۰، ۱۰۷۰، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۷، ۱۰۸۱، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۱۰۸، ۱۱۳۵، و ۱۲۰۰ هجری ادامه یافته است. (Storey, Ibid؛ Rieu 1966, vol.1, p. 137؛ همان‌جا؛ دانش‌پژوه ۱، همان‌جا؛ منزوی ۱، ص ۴۱۳-۴۱۳۱؛ منزوی ۲، ص ۵۹۹؛ گلشنی ۲، ص ۸۶۹)
- ترجمه‌ها**
- تقویم التواریخ، که به ویژه در حوزه فرهنگ و تاریخ عثمانی اطلاعات در خور توجهی دارد، به لحاظ گنج‌اندیدن تواریخ درست و بسیار و بعضاً نادر در حجم اندک، مورد توجه فضلاء و مترجمان، خاصه مستشرقان، قرار گرفته و چند بار و به چند زبان ترجمه شده است. ترجمه‌هایی که از آنها اطلاعی یافتیم به شرح زیر است:

– ترجمه عربی، به قلم ناشناسی از سرزمین عثمانی، به سال ۱۰۷۵ هجری، در بغداد.
(منزوی ۲، همان جا)

– ترجمه فارسی، به قلم همان ناشناس، در همان سال و جای (STOREY, Ibid)؛ گلشنی ۲، همان جا). نسخه‌ای از ترجمه فارسی کتاب، در استانبول، کتابخانه سلیمانیه، مجموعه وهبی افندی بغدادی، به شماره ۱۳۳۰ موجود است (سبحانی، ص ۱۶) که باید همین ترجمه باشد.

– ترجمه به زبان فرانسه (ظاهراً ناقص)، به قلم آنتوان گالان^{۱۶}، در سال‌های ۱۰۹۲-۱۰۹۳ / ۱۶۸۱-۱۶۸۲، در استانبول، از روی نسخه خطی هزارفن. (گلشنی ۲، ص ۸۷؛ گلشنی ۱، ص ۴۳)

– ترجمه ایتالیائی، به قلم جان رینالدو کارلی^{۱۷}، ظاهراً به سال ۱۶۹۷. (STOREY, Ibid)؛ مورتمان، همان جا؛ (Gökyay, Ibid)

– ترجمه لاتینی (ظاهراً فقط مقدمه ترکی)، به قلم یوهان یاکوب رایسکه^{۱۸}، در سال ۱۷۴۷. این ترجمه، همراه با افزوده‌ها و مقدمه مهم مترجم درباره تاریخ اسلام، به کوشش یکی از شاگردانش به نام گولیر^{۱۹}، به عنوان ضمیمه بخشی از تقویم البلدان ابوالفداء (جدول مربوط به سوریه)^{۲۰}، در ۱۷۶۶ منتشر شد. (STOREY, Ibid)؛ مورتمان، ص ۲۳۷؛ بدوی، ص ۲۸۳)

– ترجمه فارسی، به قلم محمدیوسف بن یحیی معروف به رضا توفیقی، از روی متن ترکی. (منزوی ۲، همان جا)

– ترجمه‌ای (ظاهراً به ایتالیائی) به قلم تدرینی^{۲۱}. (مورتمان، همان جا)

همچنین، در منابع، از ترجمه‌گزیده‌هایی به زبان‌های آلمانی و ایتالیائی یاد شده است.
(STOREY, Ibid)؛ منزوی ۲، همان جا)

آغاز فارسی موجود در بعضی از نسخه‌ها چنین است:

حمد و ثنایی که مر او را نه‌ایتی (نسخه بدل: غایتی) نیست، پروردگاری را (نسخه بدل: بر پروردگاری) که او را بدایتی نیست. (منزوی ۲، همان جا؛ منزوی ۱، ص ۴۱۳)

16) A. Galland

17) G. Rinaldo Carli

18) J. Jakob Reiske

19) J. B. Koehler

20) *Abulfeda Tabula Syriae*

21) Toderini

نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی تقویم التواریخ بسیار است. برخی از قدیم‌ترین آنها را، به منظور استفاده در چاپ بعدی اثر، اینجا یاد می‌کنم:

– نسخه‌ای مذکور در فهرست بوهار (ج ۱، ص ۸)، احتمالاً نسخه اصل
(Storey 1970, vol. 1, part I, p. 128؛ منزوی ۲، ص ۵۹۹)؛

– نسخه‌ای مذکور در فهرست فلیشر (ص ۵۱۸، ش ۲۷۳)، مورخ ۱۰۶۱ هجری
(Storey, Ibid)؛

– نسخه دانشگاه تهران، ش ۳۱۷۳، نستعلیق ترکی، مورخ ۱۰۶۲ (در این نسخه، وقایع را
تا ۱۰۷۷، و در هامش تا ۱۱۳۵ ادامه داده‌اند) (منزوی ۱، ص ۴۱۳)؛

– نسخه دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران)، ش ۱۲۷ ب، نستعلیق ترکی (؟)
سید ابراهیم بن سید محمد وفائی حسینی، مورخ ۱۰۷۱، با یادداشت قزوینی (دانش پژوه ۳،
ص ۱۳۴-۱۳۵؛ منزوی ۱، همان‌جا)؛

– نسخه کتابخانه مولانا آزاد (دانشگاه اسلامی علی‌گه)، به نشانی 14 per.paper،
نستعلیق، مورخ ۱۰۷۵ (؟)، به فارسی (میکروفیلم آن، ش ۳۵۱/۳، در مرکز میکروفیلم نور)
(فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، ج ۱، بخش نخست، ص ۴۸۷)؛

– نسخه‌ای در استانبول (نام کتابخانه ذکر نشده)، ظاهراً به خط حسین بن جعفر هزارفن
مورخ ۱۰۷۸، مشتمل بر ذیل هزارفن (گلشنی ۱، همان‌جا؛ گلشنی ۲، ص ۸۶۹)؛

– نسخه کتابخانه کوپریلی (استانبول)، ش ۱۰۶۴ k، خط ابوبکر بن محرّم بوستوی،
مورخ ۱۰۸۱، از روی متن اصلی (گلشنی ۲، همان‌جا)؛

– نسخه کتابخانه مجلس، ش ۲۴۷، با عنوان حقه نمکدان، نستعلیق شکسته‌آمیز،
از روی نسخه مورخ ۱۰۹۱ (Storey 1970, vol. 1, part I, p. 129؛ منزوی ۱، ص ۴۱۳)؛

– نسخه‌ای مذکور در فهرست بلوشه (ج ۴، ص ۲۲۹۳)، از اواسط قرن هفدهم
(Storey 1972, vol. 1, part II, p. 1214)؛

– نسخه کتابخانه مولانا آزاد (دانشگاه علی‌گه)، ش ۵۶۱/۱۲ عبدالسلام، خط نسخ مورخ
۱۱۰۳، به فارسی (مرعشی نجفی ۱، ص ۱۰۸)؛ میکروفیلم آن، ش ۴۵۳/۲، در مرکز میکروفیلم

نور (← فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، ج ۱، بخش نخست، ص ۵۹۸)؛

— نسخه حاج حسین نخجوانی (کتابخانه ملی تبریز)، مورخ ۱۱۰۸. (قاسم‌لو، ص ۷۳)

همچنین

— نسخه‌های بدون تاریخ موزه بریتانیا، شامل وقایع تا سال ۱۰۸۵ (Rieu, Ibid)؛ و

کتابخانه سلطنتی کینهاگ (Storey 1970, vol. 1, part I, p. 129)؛

— نسخه‌های معرفی‌نشده مدرسه حاج احمد افندی (حلب)، ش ۲۴۱ فهرست؛ کتابخانه

جزیره رودس، ش ۵۲۷ فهرست؛ کتابخانه سلطان محمد دوم، ش ۱۳۳۵ فهرست؛

کتابخانه حافظ احمد پاشا، ش ۱۰۴ فهرست؛ کتابخانه والده سلطان، ش ۴۷۶ فهرست؛

کتابخانه لاله‌لی، ش ۷۲۹ فهرست؛ کتابخانه عاشر افندی، ش ۱۵۲۶ فهرست (دو نسخه)؛

کتابخانه دامادزاده محمد مراد افندی، ش ۱۰۴۰ فهرست، و کتابخانه سلطان عبدالحمید،

ش ۱۲۱۲ فهرست (← «پیوست‌ها»ی کشف الظنون، ج ۷، بخش نخست، ص ۳۶، ۴۷، ۷۲، ۱۰۸، ۱۹۴،

۳۴۶، ۴۶۲، ۵۰۱، ۵۲۴)؛

— نسخه‌های (بدون ذکر نام مؤلف) کتابخانه کوپریلی‌زاده، ش ۸۶۲ فهرست؛ همان

کتابخانه، ش ۱۲۷۳ فهرست (شاید یکی از این دو همان نسخه تاریخ‌دار پیش‌گفته باشد)؛ کتابخانه

عاطف افندی، ش ۶۸۹ فهرست؛ کتابخانه ایاصوفیه، ش ۱۰۳۷ فهرست (دو نسخه)؛

کتابخانه غلظه، ش ۴۷۵ فهرست؛ کتابخانه سلطان عثمان سوم، ش ۱۱۲۴ فهرست

(دو نسخه)؛ کتابخانه شیخ الاسلام ولی‌الدین افندی، ش ۱۶۵۰ فهرست؛ و دیگری در همان

کتابخانه، ش ۱۷۵۳ فهرست (← همان، ص ۱۲۷، ۱۳۴، ۲۱۹، ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۸۴، ۴۳۵)؛ که احتمالاً

برخی از آنها کهن و معتبر، بلکه اصیل و نفیس باشد. برای اطلاع از نشانی نسخه‌های

دیگر ← Storey 1970, vol. 1, part I, pp. 128-129; Idem 1972, vol. 1, part 2, p. 1242

منزوی ۱، ص ۴۱۳۰-۴۱۳۱؛ همو ۲، ص ۵۹۹؛ برگل، ج ۲، ص ۶۱۷، که از ۳۹ نسخه یاد

کرده است.^{۲۲} (منزوی ۲، ص ۵۹۹)

۲۲) در پایگاه اینترنتی کتابخانه مرعشی نجفی، از چاپ دیگری یاد شده است، به همراه جهان‌نما، به سال

۱۱۴۳ ق، در قسطنطنیه، که در این صورت آن را باید چاپ دوم تقویم التواریخ دانست.

چاپ‌های کتاب

تقویم التواریخ تاکنون چند بار به چاپ رسیده است:

- بار نخست، به ترکی و فارسی، همراه با ترجمه عربی، و ترجمه ایتالیائی جان رینالدو کارلی، ونیز (بندقیه ۱۶۹۷) (Gökyay, Ibid ; STOREY, Ibid)؛ مورتمان، ص ۲۳۶؛ سرکیس، همان‌جا). برخی دانشمندان کتاب‌شناس، به اعتبار این چاپ، تقویم التواریخ کاتب چلبی را نخستین کتاب چاپی فارسی دانسته‌اند (مرعشی نجفی ۳، ص ۹۶). ارزش این چاپ، به لحاظ قدمت بسیار و نزدیکی به روزگار مؤلف و انضمام چند ترجمه کهن، به هیچ وجه از نسخه‌های خطی هم‌زمان کم‌تر نیست و حتی شاید بیشتر باشد؛
- بار دوم^{۲۳}، به کوشش ابراهیم متفرقه، همراه با ذیل متفرقه و افزوده‌های دیگر استانبول (قسطنطنیه)، ۱۱۴۶/۱۷۳۳ (فندیک، ص ۳۷۷؛ Rieu, Ibid ; STOREY, Ibid ; Gökyay, Ibid)؛ مورتمان، همان‌جا؛ سرکیس، همان‌جا)؛
- بار سوم (بخشی از کتاب)، به کوشش علی سعاوی، همراه با ذیل سعاوی، پاریس (STOREY, Ibid) ۱۲۹۱/۱۸۷۴؛
- بار چهارم، جلد نخست (تا وقایع ۹۲۶ هـ)، همراه با شرح و ذیل شمعدانی‌زاده، استانبول ۱۳۳۸ ق (Gökyay, Ibid)؛
- بار پنجم ۱۳۷۶ ش، و بار ششم ۱۳۸۴ ش، تهران. معرفی و نقد و بررسی این چاپ به تفصیل در پی می‌آید.

تازه‌ترین چاپ

مصطفی بن عبدالله چلبی، معروف به «حاجی خلیفه»، ترجمه (۴) تقویم التواریخ، از مترجمی ناشناخته، به کوشش میرهاشم محدث، نشر میراث مکتوب، ش ۲۲ (مجموعه تاریخ و جغرافیا، ش ۲)، تهران ۱۳۸۴ ش، ۵۶۰ (۲۰+۱۷۶+۲۸۲+۸۲) صفحه.

این چاپ، که به پدر دانشمند مصحح، شادروان سید جلال‌الدین محدث ارموی، اتحاف

۲۳) همچنین به نشریه نسخه‌های خطی، ج ۲، ص ۶۹ و ج ۱۱-۱۲، ص ۴۱۱؛ و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ملی، مجلس، دانشگاه تهران، و ملک مراجعه کنید.

شده، با مقدمه مصحح مشتمل بر خلاصه‌ای در بیان احوال و معرفی آثار مؤلف، چگونگی کار تصحیح، و نمونه تصویر نسخه‌های مورد استفاده آغاز شده است. سپس متن اصلی کتاب، با ذکر هبوط آدم علیه السلام آغاز شده و با ذکر وقایع سال ۱۰۸۵ خاتمه یافته است.

پس از متن، توضیحات و تعلیقات مفصّلی - بخش مربوط به تواریخ پیش از اسلام از مصطفی ندیم و بخش مربوط به دوران اسلامی از مصحح - آمده است. عمده تعلیقات مصحح به تحقیق اعلام مذکور در متن - غالباً از منابع متأخر - مربوط می‌شود. در این تعلیقات، از ذکر موارد بسیار معروف و موارد دیرباب صرف نظر شده است. در پایان، فهرست‌های بسیار مفید کسان، جای‌ها، ایل‌ها و گروه‌ها، کتاب‌ها، سپس جدول ملوک پیش از اسلام، جدول ملوک پس از اسلام، و فهرست منابع آمده است که در چاپ قبل (۱۳۷۶ ش) به این صورت وجود نداشت.

اصل تصحیح و چاپ این کتاب ارزشمند - که برای نخستین بار در ایران انجام گرفته - و عرضه آن به عرصه علم و ادب خدمتی است که نادیده نمی‌توان گرفت. همچنین توضیحات و تعلیقات مربوط به معرفی اعلام و درج فهراس سودمند کار خوانندگان اهل تحقیق را تا حدی آسان کرده است و مخصوصاً جهدی که مصحح در ضبط اعلام غریب و دشوار این متن مبذول داشته ستودنی است. نارسایی‌هایی نیز در این چاپ به نظر رسید که طرفی از آنها را در اینجا متذکر می‌شوم تا، اگر قبول افتد، در تصحیح بعدی این اثر گران‌قدر لحاظ شود.

نقصان متن - در همین گفتار، چاپ اخیر تقویم التواریخ را «ناقص» خواندم. از سویی، مقدمه و ملحقات و خاتمه مؤلف، به رغم اهمیت بسیار، در این چاپ نیامده است؛ از سوی دیگر، وقایع پس از ۱۰۵۸ (سال تألیف کتاب) یا ۱۰۶۰ (احتمالاً تاریخ تجدید نظر)، چنان‌که در روکش جلد بدان اشاره شده، جزو تألیف کاتب چلبی نیست و شأن و اعتبار تاریخی آن جایگاهی دیگر دارد؛ اما متأسفانه، در این چاپ، از متن اصلی جدا نشده است. عنوان ترجمه - بر روی جلد، در صفحه عنوان، در شناسنامه کتاب، و چند بار در مقدمه مصحح، از این کتاب با عنوان «ترجمه تقویم التواریخ» (از مترجمی ناشناس) یاد شده است. پیش‌تر گفتم که مؤلف، مقدمه، عنوان فصل‌ها، ملحقات، و خاتمه کتاب را به ترکی

نوشته؛ اما متن اصلی گزارش وقایع تاریخی را، چنان‌که مصحح خود نیز متذکر شده (محدّث، ص ۹)، اصلاً به فارسی تألیف کرده است. چاپ مورد گفتگو، آن مقدمه و ملحقات و خاتمه را ندارد و به گزارش وقایع منحصر است و معلوم نیست نسبت ترجمه، در این میان، چه وجهی دارد. عبدالکریم گلشنی هم، با قید احتمال، در درستی نسبت ترجمه بدین کتاب تردید کرده است (برای اطلاع از دلایل دیگری که وی آورده - گلشنی، ص ۴۴). باری، به جز عنوان فصل‌ها که در اصل ترکی بوده، برای ترجمه دانستن متن گزارش‌ها ظاهراً دلیلی وجود ندارد مگر آنکه، از تحقیق در نسخه‌های معتبر و چاپ‌های دیگر، اطلاعات تازه‌ای به دست آید.

مصحح آورده است: «این ترجمه، در سال ۱۰۷۵... انجام شده است» (ص ۱۴). این تاریخ هم معلوم نیست از کجا آمده است. در آغاز و انجام متن چاپی، چنین تاریخی نیست؛ در ضمن وقایع سال ۱۰۷۵ نیز، ذکری از ترجمه نیست. حتی هیچ‌یک از نسخه‌های مورد استفاده مصحح نیز به این تاریخ منتهی نشده است. می‌دانیم که، در ۱۰۷۵، ناشناسی اصل تقویم التواریخ را به عربی و سپس به فارسی ترجمه کرده است؛ اما دلیلی در دست نیست که این متن بخشی از کار آن ناشناس باشد؛ اگر هم فرض انجام گرفتن ترجمه را در ۱۰۷۵ بپذیریم، وجود وقایع پس از ۱۰۷۵ در این چاپ وجهی ندارد.

نسخه‌های مصحح - مصحح، برای عرضه متن تقویم التواریخ، از سه نسخه خطی (هر سه محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) بهره برگرفته است؛ اما تاریخ کتابت، انجامه، و ارزش نسخه‌ها، و حتی نسخه اساس کار خود را معلوم نکرده و ظاهراً در معرفی مختصر آنها نیز دچار لغزش‌هایی شده است. آن سه نسخه به شرح زیر است:

۱. نسخه خطی شماره ۲۶۶۶. این نسخه اصالتی ندارد چون با هیچ‌یک از چهار طرح کاتب چلبی موافق نیست؛ در آن، تعصب شیعی شدید هست که با مذهب مؤلف مغایرت دارد؛ با خط نستعلیق غیر عالمانه‌ای نوشته شده و اشتباهاتی در آن دیده می‌شود؛ منزوی (۱، ص ۴۱۳۱) کتابت نسخه را از قرن دوازدهم دانسته (منزوی، ص ۴۱۳۱)؛ و وقایع تاریخی آن تا ۱۰۸۵ هجری ادامه یافته است.

از ختم شدن این نسخه و متن چاپی به وقایع ۱۰۸۵ هجری همچنین تقدّم معرفی این نسخه بر دو نسخه دیگر و از مقایسه متن چاپی با تصویر نسخه‌ها چنین برمی‌آید که

مصحح بیشتر به همین نسخه نامعتبر متکی بوده است.

۲. نسخه خطی شماره ۳۱۷۳. به نوشته مصحح، این نسخه تا وقایع ۱۰۵۸ را داراست (محدث، ص ۱۵)؛ اما بنا بر گزارش منزوی، این نسخه در جمادی الآخر ۱۰۶۲ کتابت شده و کاتب تا وقایع ۱۰۵۷ را آورده است و بعداً وقایع را تا ۱۰۷۷ در متن و تا ۱۱۳۵ در هامش بر آن افزوده‌اند (منزوی ۱، ص ۴۱۳۰). این نسخه، در میان نسخه‌هایی که معرفی آنها گذشت، به لحاظ تاریخی، مقام سوم را داراست.

مصحح، پس از مقدمه، تصاویری از صفحات نسخ آورده و تصویر دوم را صفحه‌ای از این نسخه معرفی کرده است؛ اما، در صحت انتساب این صفحه به نسخه مذکور، تردید تمام وجود دارد؛ زیرا نسخه را منزوی «نستعلیق ترکی ۱۳ سطری» (همان‌جا) و مصحح «نستعلیق مختلف السطور» (محدث، همان‌جا) معرفی کرده است؛ حال آنکه تصویر نمونه به خط نسخ است و مطالب در جدول نوشته شده و سیزده سطری هم نیست. این تصویر، از هر لحاظ، به تصویر نسخه‌ای شباهت دارد که ذیلاً از آن یاد می‌شود.

۳. نسخه خطی شماره ۱۲۷ ب. جای قبلی نگهداری این نسخه، که مصحح دانشکده حقوق اعلام کرده (همان‌جا)، یقیناً دانشکده ادبیات بوده است (دانش‌پژوه ۳، ص ۱۳۵؛ منزوی ۱، همان‌جا). ضمناً دو نمونه تصاویر نسخه‌ها (تصاویر دوم و سوم) باید از یک نسخه و احتمالاً مربوط به همین نسخه خطی باشد. این دو تصویر حکایت از آن دارد که نسخه اصیل است چون مندرجات آن معتبر و صحیح است و با طرح دوم مؤلف (جداول ده ساله در هر صفحه) مطابقت کامل دارد؛ از تعصب شیعی تهی است؛ سرفصل‌ها به زبان ترکی است؛ و به نسخ پخته و عالمانه‌ای کتابت شده است.

در فهرست‌ها، خط این نسخه نستعلیق ترکی یاد شده است (همان‌جا)؛ اما اگر این دو تصویر به همین نسخه مربوط باشد معلوم می‌دارد که نسخه به خط نسخ نوشته شده است. کاتب نسخه، سید ابراهیم بن محمد وفائی حسینی نام داشته و در سال ۱۰۷۱ آن را تحریر کرده است (همان‌جا)، که، به لحاظ تاریخی، در میان نسخه‌های معرفی شده در همین گفتار، مقام چهارم دارد. قزوینی بر این نسخه یادداشت نوشته است (همان‌جا)، که در مقدمه مصحح اشاره‌ای بدان نیست، و متأسفم که آن یادداشت را در اختیار ندارم.

نکته‌های متنی - در مقابله تصاویرهای نمونه با متن چاپی چندین اختلاف به نظر رسید که

در نسخه‌بدل‌ها نیز ذکر نشده است و معلوم می‌دارد که هیچ‌یک از آنها نسخه‌ اساس نبوده و مصحح، با اختیار شیوة التقاطی، بیشتر بر نسخه ۲۶۶۶ تکیه داشته اما، در موارد متعدّد، به جای ضبط‌های این نسخه، صورت‌های دیگری را اختیار کرده و در متن آورده که به نظرش صحیح می‌آمده است بی‌آنکه در پانویس توضیحی به دست دهد یا مستند آن را معرفی کند.

نمونه‌هایی از این‌گونه اختلافات (از نسخه‌ها و از تصویرها با شماره‌های ۱، ۲، ۳ یاد می‌شود)، به شرح زیر است:

- عثمان بن ابی‌العاص (ص ۴۲، ذیل سال ۲۷) / عثمان بن عاص (ص ۱۸، تصویر ۱)؛
- امّ حرام (ص ۴۲، ذیل سال ۲۷) / ام خزام (همان تصویر)؛
- فتح طالقان و جرجان و بلخ به دست عمرو (ص ۴۳، ذیل سال ۳۱) / فتح طالقان و جرجان و بلخ بدست عبیده (همان تصویر)؛
- حکم بن ابی‌عاص (ص ۴۳، ذیل سال ۳۱) / حکم بن عاص (همان تصویر)؛
- فتح قارون خاقان ترک (ص ۴۳، ذیل سال ۳۳) / فتح قارن خاقان ترک (همان تصویر)؛
- انهزام کشتی کفار از دونما (؟) امیر مصر عبدالله بن سعد در فنکه، و موت عامر بن ربیعہ والی یمن، و عابر بن بلال از اصحاب، و انهزام قیصر به سلانیک (ص ۴۳، ذیل سال ۳۵) انهزام کشتی کفار از ذویتم... (؟) مصر، و موت عبدالله بن ربیعہ والی یمن و عابر بن بلال و ربیعہ از اصحاب و انهزام از سن... بک (؟) (همان تصویر)؛
- واقعه‌ حرب جمل مابین امیرالمؤمنین علی و عایشه رضی‌الله عنهما (ص ۴۳، ذیل سال ۳۶) / واقعه‌ حرب جمل مابین امیرالمؤمنین علی ع و عایشه ملعونه (همان تصویر)؛
- طلحه بن عبیدالله (ص ۴۳، ذیل سال ۳۶) / طلحه بن عبدالله (همان تصویر)؛
- فتح حرسنا (ص ۳۱: حروسنا) یعنی اماسیه به مباشرت معاویه بن هشام (ص ۵۲، ذیل سال ۱۱۲) / فتح جرستا... (؟) اماسیه بدست معاویه بن هشام (ص ۲۰، تصویر ۳)؛
- آذربایجان (ص ۵۲، ذیل سال‌های ۱۱۱ و ۱۱۲) / ادریبجان (همان تصویر)؛
- حرب خزر (ص ۵۲، ذیل سال ۱۱۲) / جنک (یا جند) جرز (همان تصویر)؛
- قتل ایشان (ص ۵۵، ذیل سال ۱۴۱) / مقتولی ایشان (ص ۱۹، تصویر ۲)؛
- حرب طویل (ص ۵۵، ذیل سال ۱۴۱) / جنک مدید (همان تصویر)؛

— هزیمت اهل اسلام از دیالمه (ص ۵۵، ذیل سال ۱۴۳) / انهزام اسلامیان در جنگ دیلمیان (همان تصویر)؛

— ظهور نفس زکیه محمد بن عبدالله بن حسن علیه السلام در مدینه و کشته شدن او به مباشرت عیسی، ابن عم منصور، بعد از آن که اهل مدینه با او بیعت نمودند، و خروج برادرش ابراهیم به اجازت ابوحنیفه در بصره، و کشته شدن او ایضاً بعد از محاربه عظیمه با منصور در نزدیکی کوفه، و الزام پوشیدن اثیاب سیاه، عباسیان را، و بنای بغداد در کنار دجله (ص ۵۵ ذیل سال ۱۴۵) / ظهور نعلش زکیه محمد بن عبدالله بن حسن در مدینه و مقتولی او بدست ابن عم منصور بعد از بیعت اهل مدینه و خروج برادرش ابراهیم با اجازه امام ابوحنیفه در بصره و مقتولی او بعد از حرب عظیم با منصور در قرب کوفه و الزام لباس سیاه بعباسیان و بناء بغداد در محط دجله (همان تصویر)؛

— ۱۴۷: ولادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، و وفات امام جعفر من الائمة الاثنی عشر... (ص ۵۵، ذیل سال ۱۴۷) / ولادت امام رضا علیه السلام، در تصویر ۲ اصلاً نیست، و وفات امام جعفر علیه السلام، در ذیل سال ۱۴۸ آمده است (ص ۱۹)؛

— وقایع ذیل سال ۱۴۸ متن چاپی (ص ۵۵)، در تصویر ۲، ذیل سال ۱۴۷ آمده است؛
— (وفات...) سلیمان بن مهران اعمش محدث کوفه و ابن ابی لیلی محمد قاضی کوفه (ص ۱۹، تصویر ۲، ذیل سال ۱۴۸) / در متن چاپی اصلاً نیامده است؛

— خروج استادسیس (ص ۵۶، ذیل سال ۱۵۰) / خروج استادسز (همان تصویر)؛
— اجشم مرورودی (ص ۵۶، ذیل سال ۱۵۰) / بنا بر پانوشت مصحح، در نسخه ۱ خیشم مروزی، و در نسخه های ۲ و ۳ اجشم مروزی آمده است. متن چاپی با هیچ نسخه برابر نیست و در پانوشت هم توضیحی نیامده است.

اینک چند نکته دیگر:

— در مقدمه تقویم التواریخ آمده است: «ترجمه فارسی آن — به جز چاپ استانبول (۱۱۴۶ ق) — تاکنون چاپ نشده است» (محدث، ص ۹). مصحح گویا از چاپ های پیشین اطلاع نداشته؛ ضمناً به همان چاپ استانبول که خود نام برده (همانجا)، مراجعه نکرده است.
— تحفة الاخبار (همان، ص ۱۲) به جای تحفة الاخبار که ممکن است خطای چاپی باشد.

- مصحح سال چاپ لوامع الثور فی ظلمة اطلس مینور را ۱۶۲۱ ذکر کرده است (همان، ص ۱۳). تألیف این کتاب، بنا بر نوشته مصحح، در سال‌های ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵ به پایان رسیده (همان‌جا) که برابر است با ۱۶۵۴ و ۱۶۵۵ میلادی؛ پس چاپ آن در ۱۶۲۱ محال است. - در صفحه ۲۵، پانوشته‌های ۱ و ۲ جابه‌جا شده است.

- عنوان فصل سوم در متن چاپی چنین است: «جدول وقایع از ولادت حضرت ابراهیم تا ولادت حضرت موسی علیه السلام» (ص ۲۴). این فصل، با ذکر وفات حضرت موسی علیه السلام خاتمه یافته؛ پس عنوان باید «... تا وفات حضرت موسی» باشد. عنوان فصل بعد نیز مؤید این نظر است: «جدول وقایع از وفات حضرت موسی علیه السلام تا ظهور بخت‌النصر». (ص ۲۶) - املائی بعضی اسامی یکدست نیست از جمله: قلوذیوس (ص ۳۴، ذیل سال ۵۶۲۳) / قلوزیوس (همان صفحه، ذیل سال ۵۶۹۶).

- حلقدونیّه (صفحه ۳۵، ذیل سال ۵۹۶۰) خطا، و صحیح آن خلقیدونه (= کالسدوان / Kalsedoan) است که نام شهری در آسیای صغیر بوده است. - نام بسیاری از کتاب‌ها، با حروف خمیده (ایرانیکی) نیامده است. در یک جا نیز دیوان وزیر مغول در عبارت «مقتول شمس‌الدین محمد صاحب دیوان وزیر مغول» (ص ۱۲۳، ذیل سال ۶۸۳) نام کتاب پنداشته شده و با حروف خمیده آمده است. - خورازم (ص ۱۴۷، ذیل سال ۸۳۹) به جای خوارزم، خطای مطبعی است. - برای اطلاع از پاره‌ای نکات دیگر، - گلشنی ۱، ص ۴۴.

(دنباله مقاله و منابع در شماره ۴۲ نامه فرهنگستان)

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی